



Charity and Its Dimensions in Zoroastrianism

Farahnaz Shams¹ , Kolsoum Ghazanfari² 

1. Ph.D. Graduated ,Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: farahnaz.shams@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Associate Professor Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: k.ghazanfari@ut.ac.ir

Article Info

Article Type:
Research Article

Article History:
Received:
21, August, 2024

In Revised Form:
8, October, 2025

Accepted:
27, January, 2025

Published Online:
4, February, 2026

Keywords: Avesta,
Charity, Pahlavi Texts,
Sasanian Period,
Zoroastrianism

Abstract

The concept of charity is one of the fundamental and significant concepts in the intellectual and ethical system of the Zoroastrian religion. It is supported by a rich foundation of religious teachings and has always been emphasized and accorded special attention. Charity possesses a diverse and extensive domain and dimensions. A precise identification of its concrete examples, the determination of its limits and boundaries, and the clarification of its executive and operational mechanisms can lead to a greater clarity and a deeper understanding of its multiple functions, including individual, social, spiritual, and cultural functions. Given the profound and extensive impact that charity has on the inner state, psyche, character, and way of life of the individual, as well as on the structure and relationships within society, accurately explaining this concept and comprehensively understanding its various dimensions and aspects can help clarify the perspective, interpretation, and perception of society and its individuals towards this moral virtue. The primary objective of this article is to investigate and analyze the concept of charity and its various dimensions in the Zoroastrian religion, using a descriptive-analytical research method. This investigation is based on main sources: the Avesta as the sacred text, and the Pahlavi texts, which were compiled, organized, and transcribed during the Sasanian period or the early Islamic centuries. By studying these texts, it can be understood that the Pahlavi texts, relying on and utilizing Avestan teachings and foundations while considering the conditions, requirements, needs, and expediencies of their time, directed and systematized the course of beliefs and practices related to charity. In addition to these, the commands and decrees issued by the Shah and the governing apparatus can also be considered an influential and effective factor in this domain.

Cite this The Author (s): Shams, F; Ghazanfari, K.; (2026), Charity and Its Dimensions in Zoroastrianism. Iranian Studies Vol. 15, No. 4, winter,:(31-47). DOI: [0.22059/jis.2025.380726.1303](https://doi.org/10.22059/jis.2025.380726.1303)



Publisher: University of Tehran

https://jis.ut.ac.ir/article_100386.html



نیکوکاری و ابعاد آن در دین زردشتی

فرحناز شمس^۱، کلثوم غضنفری^۲ ✉

farahnaz.shams@ut.ac.ir

k.ghazanfari@ut.ac.ir

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه:

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه:

چکیده

اطلاعات مقاله

مفهوم نیکوکاری از جمله مفاهیم بنیادی و دارای جایگاه مهم در نظام فکری و اخلاقی دین زردشتی است. این مفهوم از پشتوانه‌های غنی از آموزه‌ها و تعالیم دینی برخوردار می‌باشد و همواره مورد تأکید و توجه ویژه قرار گرفته است. نیکوکاری دارای قلمرو، گستره و ابعاد متنوع و گوناگونی است، به طوری که شناسایی دقیق مصادیق عینی آن، تعیین حدود و ثغورش و همچنین تبیین سازوکارهای اجرایی و عملیاتی آن، می‌تواند موجب شفافیت بیشتر و درک عمیق‌تر کارکردهای چندگانه آن، اعم از کارکردهای فردی، اجتماعی، معنوی و فرهنگی گردد. با توجه به تأثیرات عمیق و گسترده‌ای که نیکوکاری در احوال درونی، روحیات، منش و شیوه زندگی فرد و همچنین در ساختار و روابط جامعه می‌گذارد، تبیین دقیق این مفهوم و شناخت جامع ابعاد و زوایای مختلف آن، می‌تواند به روشن‌سازی نگرش، برداشت و تلقی جامعه و تک‌تک افراد نسبت به این فضیلت اخلاقی منجر شود. هدف اصلی این مقاله، بررسی و واکاوی مفهوم نیکوکاری و ابعاد مختلف آن در دین زردشتی با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. این بررسی بر اساس منابع اصلی چون *اوستا* و متون پهلوی که در دوره ساسانی یا در قرون نخستین اسلامی، تدوین، تنسیق و کتابت یافته‌اند، انجام می‌پذیرد. با مطالعه و بررسی این متون می‌توان اینگونه دریافت که متون پهلوی، با اتکا و بهره‌گیری از تعلیمات و مبانی اوستایی و با در نظر گرفتن شرایط، مقتضیات، نیازها و مصالح زمانه خود، به جهت‌دهی و سامان بخشی به سیر عقاید و اعمال مربوط به نیکوکاری می‌پرداخته‌اند. افزون بر این موارد، می‌توان فرامین و دستورات صادر شده از سوی شاه و دستگاه حکومتی را نیز به عنوان عاملی نافذ و مؤثر در این حوزه در نظر گرفت.

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۵/۳۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۱/۰۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۱۵

واژه‌های کلیدی: دین

زردشتی، دوره ساسانی، اوستا،

متون پهلوی، نیکوکاری

استناد: شمس، فرحناز، غضنفری، کلثوم؛ (۱۴۰۴). نیکوکاری و ابعاد آن در دین زردشتی، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال ۱۵، شماره ۴، زمستان. (۳۱-۴۷).

DOI: 0.22059/jis.2025.380726.1303



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

https://jis.ut.ac.ir/article_100386.html

۱. مقدمه

نیکوکاری از آموزه‌های مهم زردشتی است که در *اوستا* و متون پهلوی مورد تأکید قرار گرفته است، با این وجود تاکنون در پژوهش‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است. شناخت دقیق این آموزه و حدود و روش‌های انجام و همچنین کارکردهای فردی و اجتماعی آن می‌تواند به شناخت بیشتر دیانت زردشتی و تاریخ آن بیانجامد. هدف پژوهش حاضر واکاوی این موضوع در دین زردشتی با تأکید بر متون پهلوی برجای مانده از عصر ساسانی یا بازنویسی شده در سده‌های نخستین اسلامی است. در متونی که در ادامه ذکر می‌شود اطلاعات مبسوط‌تری در زمینه نیکوکاری وجود دارد: در *مادیان هزار دادستان* در دو فصل داده‌های مهمی در مورد وقف (اختیار واقف و اصول قانونی وقف) و *سالاری (قیمومیت و سالاری بنیاد خیریه و تأسیس آتشکده و فتاوی در مورد اداره کردن آن) آمده است. روایت امید آشوهیشتان* بیشتر وجه دیگر امور خیریه یعنی امور عام‌المنفعه و نیز اعمال خاص دینی را مدنظر قرار داده و درباره شرایط انجام آن مطالبی دارد. در *روایت آذرفرنبغ فرخزادان* نیز احکامی در امور مختلف چون *سالاری، زنان، کار و کرفه، بخشش به دیگران، برگزاری مراسم برای متوفی و ... آمده است.*

پژوهش مستقلی که به عنوان این مقاله پردازد پیشتر انجام نشده اما آثاری را می‌توان ذکر کرد که به این موضوع نزدیک یا به بخشی از آن پرداخته‌اند. دومناش در اثری (۱۹۶۴) به آتشکده‌ها و بنیادهای دینی در حقوق ساسانی پرداخته و گزیده‌ای از *فرازهای مهم مادیان هزار دادستان، روایت امید آشوهیشتان و دادستان دینیگ* را ترجمه کرده است؛ این اثر چهار سال بعد توسط فیلیپ ژینیو (۱۹۶۷) بررسی و نقد شده است. مری بویس در سال ۱۹۶۸ در مقاله‌ای به بنیادها و نهادهای دینی زردشتی پرداخته و مراسم را که برای متوفی برگزار می‌شده به‌جامانده از عصر ساسانی می‌داند؛ وی به اصول و قوانین مربوط به این امور با توجه به *مادیان هزار دادستان* می‌پردازد؛ توجه نویسنده البته بیشتر به دوره معاصر و پارسیان هند است و اندکی نیز زردشتیان ایران را مورد توجه قرار داده. برهان بن یوسف در پژوهشی با عنوان «نیکوکاری و داد و دهش در ایران باستان» به تاریخچه‌ای مختصر از نیکوکاری در ایران باستان و سفارش‌هایی در باب نیکوکاری با توجه به *اوستا* و متون پهلوی پرداخته است که به‌مناسبت همایش و مراسم جنبش ملی نیکوکاری تألیف شده است. پریخانیان در «جامعه و قانون ایرانی»، در تاریخ ایران کمبریج، بیشتر به مسائل وقف پرداخته که منبع بیشتر آنها *مادیان هزار دادستان* است. در *مادیان* تنها صریحاً از آتشکده‌ها به‌عنوان بنیاد خیریه نام برده شده اما نویسنده افزون بر آتشکده‌ها از بنیادهای خیریه دیگر نیز سخن به میان می‌آورد و بر این باور است که رسیدگی به این امور را دیوان کردگان برعهده داشته و از آن به دیوان نهادهای دینی (office for religious institutions) تعبیر کرده است اما این تعبیر به‌نظر جای تأمل دارد که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود. ماریا ماتسوخ در مدخلی از دانشنامه ایرانیکا بنیادهای خیریه (۱۹۹۱) را مورد

پژوهش قرار داده و با مطالعه منابع دست اول چون کتیبه‌ها و متون پهلوی سعی در توضیح این موضوع دارد. وی انجام امور عام‌المنفعه مانند ساخت پل یا تأسیس آتشکده را مترادف وقف خیری و داشتن درآمد تضمینی برای خانواده مؤسس را وقف اهلی، که در دوره اسلامی رایج شده، می‌داند.

۲. نیکوکاری

در جای‌جای *گاهان* سخن از پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است که اهوره مزدا به آن فرمان می‌دهد (*گاتها*، ۱۳۸۹: ۱۱۶، هات ۳۳، فقره ۱۴؛ همان: ۱۷۱، هات ۴۳، فقره ۵؛ و ...). معنای تحت‌اللفظی نیکوکاری انجام کردار نیک است اما در *اوستا* و به پیروی از آن در متون پهلوی به رعایت پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک فرمان داده شده و نیکوکاری تنها به کردار نیک معطوف نشده است؛ از طرف دیگر پندار نیک و گفتار نیک، مقدمه و لازمه انجام کار نیک است و برای آن پاداش دنیوی و اخروی در نظر گرفته شده (همان: ۹۶، هات ۳۱، فقره ۱۹؛ مینوی خرد (م. خ.)، ۱۳۹۷: ۴۲، ۲۳، فقره ۱) که می‌توان آن را به نیکوکاری تعبیر کرد.

۳. مبانی نظری نیکوکاری

در *گاهان* آمده اهوره مزدا راستی را برگزیده و پیروان او که نیک‌اندیش هستند نیز راستی را برمی‌گزینند (*گاتها*، ۱۳۸۹: ۸۰، هات ۳۰، فقرات ۳ و ۵). بر این اساس اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک که از اصول دین زردشتی است می‌بایست در چارچوب و همراه با گروه به دین مزدایی باشد (همان: ۱۱۱، هات ۲۸، فقره ۴؛ همان: ۱۱۸، هات ۳۴، فقره ۲؛ همان: ۱۴۲، هات ۴۷، فقره ۱)، چراکه که دین مزدایی با راستی یکسان است (همان: ۱۴۲، هات ۴۴، فقره ۱۰). زردشت پیروان خود را درستکار می‌داند (همان: ۷۲، هات ۲۹، فقره ۵) زیرا که کردارشان نیک و مفید است (همان: ۱۳۸، هات ۴۴، فقره ۲؛ *Gāthā*, 1997: 138).

در *اوستا* در باب نیکوکاری خطامشی کلی و اساسی دین زردشتی آمده است. در متون پهلوی، که می‌توان آنها را بیشتر مرتبط با دوره ساسانی دانست، با توجه به نیازها، شرایط و مقتضیات زمانه برای نیکوکاری مصادیق بیشتری برشمرده شده و راه‌ها و روش‌های گوناگونی نشان داده شده است. نکته مهم این است که متون یادشده در این مورد ادامه همان سنت *اوستایی* به حساب می‌آیند و از آداب و اصول *اوستا* عدول نشده، بلکه امور مرتبط با نیکوکاری را بسط داده و با نیاز زمانه تطبیق داده‌اند و در مواردی که لازم بوده قاعده‌مند و قانون‌مند کرده‌اند. در ادامه با جزئیات بیشتر به بحث در مورد آن خواهیم پرداخت.

۴. مقدمات انجام کار خیر

در منابع آمده با تلاش و کوشش، اندیشه نیک، دانش و خرد می‌توان کار نیک انجام داد (متون پهلوی (م. پ.)، ۱۳۷۱: ۹۳، چیده اندرز پوریوتکیشان، فقره ۵۸؛ همان: ۱۳۲-۱۳۳، یادگار بزرگمهر، فقره ۱۲۷؛) هدف آفرینش بنا بر پرسش ششم متن فارسی میانه دادستان دینی، ۱۳۶۹: ۶۵، فقره ۷؛ کتاب سوم دینکرد

(ک. س. د.)، ۱۳۸۴: ۹۶، کرده (۱۳۸). بنیان به دست آوردن این ملزومات را می‌توان در نهاد خانواده و تعلیمات آن یافت (روایت پهلوی (ر. پ.)، ۱۳۶۷: ۴۴، فصل ۳۳، فقره ۱؛ م. پ.، ۱۳۷۱: ۹۰، چیده اندرز پوریوتکیشان، فقره ۳۴).

به کارگیری دانش نیز می‌بایست بر اساس خرد صورت گیرد (همان: ۱۱۴، اندرز بهزاد فرخ پیروز، فقرات ۱۷ - ۱۸) که آدمی را از آنچه برای پیروی بهتر است آگاه می‌کند (گائاه، ۱۳۸۹: ۱۵۲، هات ۴۵، فقره ۶)، پس می‌توان داشتن خرد را اساس انجام کار نیک دانست. در شاهنامه، در سخنان شاهان ایرانی خرد گاه برابر و یا همراه با دانایی، مدارا و یا داد و دهش آمده است (فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۲۸۱، بیت ۸؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۷: ۴، بیت ۸؛ همو: ۱۵، بیت ۶) که با مطلبی که در این باب در کتاب سوم دینکرد آمده است مشابه است (۱۳۸۱: ۱۸۲، کرده ۹۹)؛ این امر نشان می‌دهد که شاهنامه یا منابع آن از آموزه‌های دینی نیز الهام گرفته‌اند.

زردشت خواستار رامش و خوشی برای همه آفریدگان نیک است (گائاه، ۱۳۸۹: [۶۲]، هات ۲۸، فقره ۱؛ همان: ۱۷۰، هات ۴۷، فقره ۳) و اینها به همراه ثروت اسباب به دست آوردن دانش است که در پادشاهی شهریاری نیک به دست می‌آیند (ک. س. د.، ۱۳۸۴: ۶۷ کرده ۱۳۱). در گاهان زردشت خواهان پادشاهی شهریاران نیک است (گائاه، ۱۳۸۹: ۱۷۶، هات ۴۸، فقره ۵)، اما در متون پهلوی از جمله کتاب سوم دینکرد شاهنشاه دین‌دستور است و در رأس همه، حتی دین‌سالاران، قرار می‌گیرد و آنان می‌بایست از شاه چاره‌جویی کنند (۱۳۸۴: ۱۷۴، کرده ۱۵۷، فصل ۱۳). در این باره حتی آمده که پادشاه در دنیا مانند اورمزد است (Yavisht i Friyan, 1996: 57) که می‌توان آن را با عبارت «چهر از ایزدان دارد» که در توصیف شاهان ساسانی در کتیبه‌ها و سکه‌هایشان آمده^(۱) همسان دانست. می‌توان دریافت که این امر به این دلیل بوده که شاه در دوره ساسانی هردو نقش سیاسی و دینی را یافته است و قدرت شاه بر روحانیون غالب شده در حالی که در گاهان تنها از پادشاهی (وظیفه سیاسی) شهریار نیک سخن گفته شده است. با این اوصاف حتی داشتن خانواده خوب که آدمی در آن به درستی تعلیم ببیند تحت پادشاهی شهریاری نیک امکان‌پذیر می‌باشد؛ پس در دوره ساسانی اساس انجام امور نیک داشتن خردمندی و تحت لوای شهریاری نیک زندگی کردن است. موضوع دیگری را که می‌توان با موارد بالا پیوند زد نیت درست است^(۲) (بررسی دینکرد ششم (ب. د. ش.)، ۱۳۹۴: ۱۶۳، فقره ۵۴)، یعنی شخصی که با رامش و رفاه و تحت شهریاری نیک دانش و خرد به دست آورده است برای انجام نیکوکاری نیز نیت خوبی دارد.

۵. واژگان مربوط به نیکوکاری

در گاهان راتا^۲ به معنای بخشش است که واژه‌های اوستایی از مصدر را می‌باشد (گائاه، ۱۳۸۹: ۱۱۴، هات ۳۳، فقره ۷؛ همان: ۱۳۲، هات ۴۳، فقره ۹)، اما در دیگر قسمت‌های اوستا راتا یک ایزد است که از

1. rāy, mēnišnīg

2. rātā

داد و دهش و سخاوت پاسبانی می‌کند (خرده/اوستا/خ.ا.)، ۱۳۱۰: ۱۹۸، سی‌روزه بزرگ، فقرة ۵؛ یشتها، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۱، هفتن یشت کوچک، فقرة ۳؛ پورداود: همان). در متون پهلوی نیز مانند گاهان رادی^۱ به معنای بخشش آمده که گونه‌هایی دارد (ر.پ.)، ۱۳۶۷: ۱۲، فصل ۱۰، فقرة ۱؛ م.خ، ۱۳۹۷: ۲۸، فصل ۳، فقرات ۲-۴ و ... و راد به معنای جوانمرد، کسی است که سعه نظر دارد و بخشنده (ر.پ.)، ۱۳۶۷: ۱۲ و ۱۳، فصل ۱۰، فقرات ۱ و ۱۴) و درستکار است (دینکرد چهارم (د.ج.)، ۱۳۹۳: ۸۴، فقرة ۹۴). از آنجا که این واژه کهن‌ترین واژه در باب بخشش در متون دینی زردشتی است و همچنین بر اساس تعریفی که از راد در متون پهلوی ارائه شده، می‌توان مفاهیمی را که به معنای بخشش در متون پهلوی آمده است، نوعی رادی دانست.

واژگان دیگر در رابطه با بخشش و نیکوکاری دهش^۲ و اهلوداد^۳ است. دهش نیز به معنای بخشش است و برای امور معنوی، مثل یاری‌رساندن موجودات نیک به اهوره مزدا در نبرد با اهریمن^۴ (ک. س. د، ۱۳۸۱: ۱۳۹، کرده ۷۸) و مینوپزشکی (روان‌پزشکی) یعنی هدایت افراد به راه راست (همان، ۱۳۸۴: ۱۶۳ و ۱۶۵، کرده ۱۵۷) و یا برای امور مادی به کار رفته و در دو نوع واجب یا مستحب است (همان: ۱۹۴ - ۱۹۵، کرده ۱۵۸؛ همان: ۲۵۹، کرده ۱۸۱). اهلوداد در کل به معنای خیرات و صدقات و اهلابی^۵ به معنای نیکوکاری (روایت امید اشوهیشتان (ر.ا.ا.)، ۱۳۷۶: ۱۰۹، پاسخ ۱۷، فقرة ۲۳) و پاکی (اندرز اوشنر دانا (ا.ا.د.)، ۱۳۷۳: ۳۷، فقرة ۴۹) به کار رفته است؛ اما اهلوداد یا اشوداد در لفظ به-معنای آنچه که به پرهیزکار^۶ داده می‌شود و به معنای سهم روحانیت نیز می‌باشد (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۴: ۲۱۵؛ زهت صفای اصفهانی، ۱۳۷۶: ۱۷۱). البته اهلوداد تنها برای بخشش به روحانیون به کار نرفته بلکه دهش نیز برای آن آمده است (کتاب هشتم دینکرد (ک. م. د.)، ۱۳۹۷: ۱۲۸، فقرة ۱۴). اهلوداد به معنای عمل نیک و پسندیده نیز می‌باشد، به همین دلیل برای اختیارکردن پادشازنی^(۲) نیز به کار رفته است (م.پ.)، ۱۳۷۱: ۱۷۳، پیمان کدخدایی، فقرة ۳).

از جمله اصطلاحات مربوط به کار نیک خوب‌کنش^۸ و نیک‌کنش^۹ است که خود حاصل کوشش هستند (م.پ.)، ۱۳۷۱: ۹۳، چیده اندرز پوریوتکیشان، فقرة ۵۸). واژه hugār (خوب‌کار، خوب‌کردار، نیکوکار) و hugārīh (نیکوکاری) نیز به این کلمات نزدیک هستند. در مهرهای شاهان ساسانی (ر.ک. ادامه مقاله) و در کتیبه کرتیر، بهرام دوم در کنار القاب مهربان و کرفه‌گر^{۱۰} با این لقب نیز آمده است (نصرالله‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۱، کتیبه کرتیر در سرمشهد کازرون، بند ۱۱). مکنزی یکی از معانی

1. rādīh
2. dahišnīg
3. ahlaw dād
4. pad dahišnōn abzārīh
5. ahlāyīh
6. ašo
7. dād
8. hu-kunišnīh
9. nēk-kunišnīh
10. mihrabōn ud hugār ud kirbakkār

hugār را *easy* به معنای ملایم یا آسان‌گیر آورده است (Mackenzie, 1986: 44)، اما چون، در کتیبه، قبل از آن شاهنشاه بهرام دوم با لقب مهربان آمده، آوردن لقبی دیگر با همان مفهوم حشو می‌نماید. از آنجا که hu-kunišnīh با تلاش پیوند خورده، hugār نیز ممکن است به معنای کسی باشد که با تلاش، وظایف و کارها را به نحو احسن انجام می‌دهد، یعنی افزون بر اینکه برای دیگران مفید است و پاداش اخروی دارد برای خود شخص نیز سود دنیوی دارد.

واژه دیگر، کرفه^۱ به معنای کار نیک یا ثواب است. کرفه در دو نوع واجب و مستحب است و بهتر است برای سود شخصی انجام نشود (ک. س. د.، ۱۳۸۴: ۱۸۴ و ۱۹۵، کرده ۱۵۸). کرفه شامل بخشش و ثواب مادی (د. ج.، ۱۳۹۳: ۸۰، فقرة ۸۲) و معنوی^(۳) می‌شود. در متون پهلوی بارها کار و کرفه با هم آمده است^۲ (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: ۲۶۷، فصل ۸، فقرة ۲۷؛ م. پ.، ۱۳۷۱: اندرز دانایان به مزدیسنان، ۹۴، فقرة ۲؛ *شایست ناشایست* (ش. ن. ش.، ۱۳۶۹: ۲۲۷، فصل ۱۷، فقرة ۸ و ...) که می‌توان آن را با دو لقب شاهان ساسانی hugār و کرفه‌گر kirbakkar هم‌سو و همسان دانست. به‌عنوان نمونه بهرام پنجم در سکه‌هایش با لقب کرفه‌گر (پاکزادان، ۱۳۸۴: ۱۳۳) و پیروز ساسانی و پدرش در مهری با لقب هوگار (خوب‌کار) و کرفه‌گر آمده‌اند (حسنی، ۱۴۰۰: ۷۰). گویا پیروز به دلیل خدماتی که در هنگام قحطی به مردم کرده است این عنوان را به خود داده است. در هر حال در این دوران این لقب بسیار کاربرد داشته است و در تخت سلیمان مهری به‌دست آمده که شخصی به‌نام فرخ لقب مهربان و نیوکوکار دارد (Moradi & Hintz, 2020: 121). گویا وکیل درویشان،^۳ از دوره قباد و به‌خصوص خسرو انوشیروان، با اصلاحات آنان، جایگزین این عناوین شده است و در مهرهای موبدان، دادوران^۴ (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۱: ۳۸۶ و ۶۶۷، فصل ۴۳، فقرة ۱۲؛ گوبل، ۱۳۸۴: ۱۵۷)، شهرها و ... به‌کار می‌رفته است (حسنی، ۱۳۹۴: ۱۹۲)؛ این عناوین تبلیغاتی و نشان‌دهنده منش حکومتی می‌باشد.

واژه دیگر در این باره فرارونی^۵ است که به نیکی و نیوکواری ترجمه شده است: «خواستنه آن بهتر و خوشتر است که از نیوکواری (frārōnīh) اندوخته شده است» (م. خ.، ۱۳۹۷: ۳۵، فصل ۱۳، فقرة ۱۳) یا «از حاصل کوشش نیک خویش بخور» (همان: ۲۱، فصل ۱، فقرة ۴۳). با توجه به این موارد می‌توان آن را به معنای درستکاری^۶ نیز دانست (Mackenzie, 1986: 32). معنای درستکاری در این متن نیز نهفته است: «کوشایی یعنی شخص نیکویی پیشه کند (frārōnīh) (kunēd) و نسبت به کار تعهد شده با بی‌گناهی و بی‌رنجگی بکوشد» (م. پ.، ۱۳۷۱: یادگار بزرگمهر، ۱۳۳، فقرة ۱۲۷)، بی‌گناهی در متن یادشده را می‌توان به معنای درستکاری دانست.

1. kirbag
2. kār ud kirbag
3. dariyōšān jādaggōw
4. driyōšān jādaggōw ud dādwar
5. frārōnīh
6. righteousness, honesty

در متون پهلوی اصطلاح رایج کار نیک^۱ نیز به کار رفته است، این اصطلاح می‌تواند جامع و دربرگیرنده واژگان دیگر در رابطه با کار خیر باشد، زیرا از آنجا که خرد و آگاهی دینی، اساس انجام کار نیک دانسته شده، کار نیک می‌تواند هرکاری را که مبتنی بر خرد باشد و تحت اصول به‌دینی انجام گیرد، شامل شود (م. پ.، ۱۳۷۱: ۱۱۴، اندرز بهزاد فرخ پیروز، فقرات ۱۷ - ۱۸؛ ک. س. د.، ۱۳۸۴: ۹۶، کرده ۱۳۸؛ همان: ۲۳، کرده ۱۲۲؛ همان: ۲۷۳، کرده ۱۸۶). در هر حال این واژگان با آنکه از لحاظ مفهومی از هم متفاوت هستند، در مواردی نیز هم‌پوشانی دارند.

۵. ابعاد نیکوکاری

در گاهان و دیگر قسمت‌های اوستا بر راستی تأکید شده است که سرآمد همه نیکی‌ها است، یعنی کسی که در پندار، گفتار و کردار خود راستی را پیشه سازد به‌درستی و در طریق نیکی گام می‌برد. مطالبی که در متون پهلوی در باب چگونگی پندار، گفتار و کردار نیک در حق خود و دیگران سفارش شده تعبیر دیگری از راستی و خویشکاری^۳ (وظیفه) است که موجب به‌دست‌آوردن پاداش دنیوی و اخروی می‌شود (اندرزنامه بزرگمهر حکیم، ۱۳۵۰: ۲۰، به نقل از ظفرنامه منثور ترجمه ابوعلی سینا).

اما در متون پهلوی هدایت مردم به پندار، گفتار و کردار نیک تنها با نظر مرجعیت دینی صورت نمی‌گیرد بلکه اندیشه و روش شه‌یار نیز در اصول مدنظر دخیل است (ک. س. د.، ۱۳۸۴: ۱۵۷، کرده ۱۵۷) که علاوه بر آنکه منجر به اتحاد بیشتر نهاد دین و دولت می‌شود، می‌تواند در استحکام قدرت مرجعیت سیاسی و یکپارچگی بیشتر ملی مؤثر باشد. شاید بتوان نظر مرجعیت سیاسی در رابطه با نیکوکاری را، علاوه بر تأیید این اصول اخلاقی و انسانی، در دوره ساسانی در امور دیگری که با پشتوانه دولت اجرا می‌شده و با قانون به آن رسمیت بخشیده می‌شده است را نیز مشاهده کرد (ر. ک. ادامه مقاله).

در متون پهلوی اصولی اخلاقی و در راستای آن اصول عملی نیز به مردم سفارش می‌شود که، رعایت آن علاوه بر آنکه موجب به‌روزی و عاقبت نیک دنیوی و اخروی فرد و در نهایت تعالی جامعه می‌شود، با فطرت پاک انسانی نیز همخوانی دارد. همخوانی اصول دینی زردشتی با فطرت پاک انسانی با توجه به آموزه‌هایی که در این باب در اوستا و متون پهلوی آمده مشخص می‌شود تا آنجا که آمده: هرآنچه را که می‌دانید خوب است انجام دهید و هرآنچه را که می‌دانید خوب نیست انجام ندهید (م. پ.، ۱۳۷۱: ۱۷۹، واژه‌ای چند از آذرباد مهرسپندان، فقرة ۳۸). برای آنکه شخص بتواند با راستی و درستی زندگی کند و هنرهای اخلاقی او رو به شکوفایی بگذارد در ابتدا می‌بایست راه و روش صحیح زندگی را از طریق اصول دینی بیاموزد (ک. س. د.، ۱۳۸۴: ۲۳ - ۲۴، کرده ۱۲۲؛ همان: ۱۴۶، کرده ۱۵۲)، به‌علاوه نه‌تنها آدمی می‌بایست برای خود و در حق دیگران نیکی

1. kār nēk
2. nēkīh
3. xēškārag

کند بلکه می‌بایست در حفظ و حراست از جهان پاک و فراوان کردن آفریده‌های اورمزدی نیز بکوشد (همان، ۱۳۸۱: ۱۲۲، فقرة ۶۹). در *اوستا* همه هستی پاک مینوی و آفریده اورمزد (بشتهها، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۹، هرمزد یشت، فقرة ۲۱: یسنا، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۰، هات ۳۵، فقرة ۱) و نیز به‌طور جزئی‌تر همه گیاهان ستایش شده‌اند (یسنا، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۵، هات ۱۶، فقرة ۵)، در این راستا در *روایت امید کاشت و حفظ گیاهان از امور عام‌المنفعه* و به همین دلیل عمل خیر کبیره است (۱۳۷۶: ۹۹، پاسخ ۱۷، فقرات ۹ - ۱۰)؛ این امر هم دارای وجه عام و هم خاص است زیرا سود آن هم به بانی و کشاورز می‌رسد و هم به دیگران.

همه جانوران نیز در *اوستا* ستایش شده‌اند (بشتهها، ۱۳۷۷، ج ۲: ۶۱، فروردین یشت، کرده ۱، فقرة ۱۰)، اما در متون پهلوی خرفستران (جانوران زبان‌آور) تقبیح شده و کشتن آنها روا دانسته شده که برای دفع آزار و آفات آنان می‌باشد (ک. م. د.، ۱۳۹۷: ۱۲۸، فقرة ۱۱: م. پ.، ۱۳۷۱: ۱۶۱، اندرز دستوران به بهدینیان، فقرة ۳۹). در *وندیداد* بیشتر درباره سگ حتی اگر بی‌صاحب باشد، سفارش شده است (۱۳۲۷: ۱۲۷، فرگرد ۱۳، فقرة ۷). منع آزار سگ بی‌صاحب نشان از احترام به سگ در دین مزدیسنا سوای سودمندبودن آن دارد. اما در قسمت‌های دیگر *اوستا* (ویسپرد، ۱۳۵۶: ۶۵، کرده ۱۹، فقرة ۱؛ یسنا، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۷۷، هات ۱۰، فقرة ۲۰) و نیز متون پهلوی بیشتر توجه و خوش‌رفتاری با چارپایان گوشزد شده است (ر. پ.، ۱۳۶۷: ۲۴، فصل ۱۷، فقرة ۴). در این باره آمده: بی‌قاعده آنها را نکشید که موجب پادافره می‌شود (ش. ن. ش.، ۱۳۶۹: ۱۲۳، فصل ۱۰، فقرة ۸؛ ارداویرافنامه (ا. ن.)، ۱۳۴۲: ۴۶، فرگرد ۳۰، فقرات ۱ - ۳). پهلوی واژه بی‌قاعده که در *ارداویرافنامه* هم آمده کلمه نادادانه^۱ است، که به - معنای برخلاف داد و قانون دانسته شده (عقیقی، ۱۳۴۲: ۴۶). به کار رفتن کلمه نادادانه در منابع می‌تواند نشان از وجود قوانین در رابطه با حقوق چهارپایان و دیگر حیوانات باشد. با توجه به این مورد نخجیر کردن برای روحانیون به دلیل فرهنگ، مگر آنکه مالشان کمتر از سیصد استیر باشد و نیازمند باشند، ممنوع بوده است (ش. ن. ش.، ۱۳۶۹: ۹۶، فصل ۸، فقرة ۳). سیصد استیر به‌عنوان معیار در باب بخشش در بازرگانی نیز استفاده شده است و آمده اگر فرد به آن پول برای فراهم کردن زندگی بهتر نیاز دارد تا سیصد استیر پس‌انداز مجاز است و مازاد آن را باید صدقه دهد (ر. پ.، ۱۳۶۷: ۵۱، فصل ۴۲، فقرات ۱ - ۱۳)؛ هراستیر در دوره ساسانی برابر با چهار درهم است و سیصد استیر، ۱۲۰۰ درهم می‌شود که با احتساب آن می‌توان به سطح دارایی برای داشتن رفاه در دوره ساسانی پی برد.

۱-۵ نیکوکاری در امور دینی^(۴)

از آنجا که *اوستا* و متون پهلوی در وهله اول متونی دینی است درباره انجام اعمال مذهبی، که نیکوکاری محسوب می‌شود و موجب خیر دنیوی و ثواب اخروی (*دادستان دینی* (د. د.)، ۱۳۹۷: ۱۳۱، پرسش ۴۷، فقرة ۴)، بسیار سخن رفته است. در کل در *اوستا* در رابطه با اعمال مذهبی بیشتر به

نیایش، قربانی و برگزاری مراسم‌ها اشاره می‌شود، اما در متون پهلوی به‌طور مبسوط‌تری در باب انواع اعمال دینی و چگونگی انجام آن سخن رفته است.^(۵) در *روایت امید* فهرستی از اعمال دینی آمده که خدمات نیکوکارانه بیشتری دارد،^۱ مترجم آن را به اعمال نیک اختصاصی ترجمه کرده است. با توجه به انواع آن که متفاوت است و از آداب خواندن *اوستا* و تهیه غذا و قربانی تا انجام آداب نوگ نوار (مراسم تشریف به مقام روحانیت) و غیره را شامل می‌شود می‌توان آن را به معنای اعمال نیک خاص و ویژه^(۶) دانست و منظور این است که انجام این امور همان‌طور که آمده ثواب بسیاری دارد و واجب است^۲ (۱۳۷۶: ۱۰۵، پاسخ ۱۷، فقرات ۱۵ - ۱۷). گویا با توجه به فرهنگ و شرایط در هر دوره برخی از اعمال اهمیت بیشتری می‌یافته است.

۱-۵- نیکی به روحانیون

در *اوستا* آموزگاران دین (یشتها، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۳۱، فروردین یشت، کرده ۳۱، فقره ۴۹) و موبدانی که در داخل یا خارج از مملکت خدمت می‌کنند ستایش شده‌اند (خ. ا، ۱۳۱۰: ۱۶۰، اُزیرین‌گاه، فقره ۸) که با توجه به آن می‌توان به یکی از ابعاد وظایف موبدان در اعصار کهن‌تر پی برد. در متون پهلوی نیز به احترام (د. د، ۱۳۹۷: ۱۳۰، پرسش ۴۶، فقره ۸) و نیکی به روحانیون سفارش و از اعمال خیر کبیره شمرده شده است. از آنجا که اعمال خیر کبیره دارای وجوه عام یا خاص و یا هردو وجه عام و خاص است (ر. ا، ۱۳۷۶: ۹۹، پاسخ ۱۷، فقرات ۹ - ۱۰)، نیکی به روحانیون جنبه خاص دارد زیرا سود آن به فرد یا افراد خاصی می‌رسد. پس در دوره ساسانی روحانیون نیازمند نیز وجود داشتند، از جمله هیربدان که درآمد زیادی نداشتند و در صورتی که مزد مشارکت آنان در مراسم‌ها کفاف زندگی آنان را نمی‌داد می‌توانستند از مردم درخواست صدقه کنند (د. د، ۱۳۹۷: ۱۲۷، فصل ۴۳، فقرات ۱ - ۹). با توجه به این مطالب درمی‌یابیم هیربدان از مالی که به آتشکده‌ها داده می‌شد بهره‌ای نمی‌بردند، مگر آنکه متولیان آتشکده خود به آنان کمک می‌کرد، زیرا یکی از وظایف آتشکده کمک به فقیران بوده است (ماتیگان گجستک ابالیس: ۱۳۷۶: ۱۵).

افزون بر هیربدان، روحانیون نیازمند دیگری نیز بودند چنانکه از واژه بهان^۳ به معنای نیکان در متون پهلوی برای آنان استفاده شده و نیکی به آنان سفارش شده است. در *ردو ایرافنامه* آمده: از آن رو مردی به بهشت رفته است که به بهان و درویشان و ارزانیان چیزی داده است (۱۳۴۲: ۶۱ فرگرد ۶۸ فقرات ۱ - ۴)؛ پس بهان در اینجا معنایی متفاوت از درویشان (فقیران درستکار) دارد. در متنی دیگر بعد از تشویق به بخشش به بهان، به مشورت کردن با انجمن بهان سفارش شده که کرفه محسوب می‌شود (م. پ، ۱۳۷۱: ۱۸۲، واژه‌ای چند از آذرباد مهرسپندان، فقرات ۷۰ - ۷۱). می‌توان دریافت در اینجا نیز منظور از بهان روحانیون هستند. معنای دیگر بهان انسان درست‌دین و

1. kirbag kē-š ewāzīgīh frāy

2. kirbagi frēzbanīg

3. wehān

درستکار است - چه روحانی و چه غیرروحانی - و در برابر بدان به کار رفته است (م. خ.، ۱۳۹۷: ۵۲، فصل ۳۶، فقره ۳۱؛ همان: ۴۲، فصل ۲۳، فقره ۸؛ د. د.، ۱۳۹۷: ۱۳۹ - ۱۴۰، پرسش ۴۸، فقرات ۱ - ۷).

۲-۵. نیکی به خانواده و نزدیکان

در گاهان برای پاداش درست‌کرداری به مرد و زن، با هم، بهشت وعده داده شده است (گائاه، ۱۳۸۹: ۱۶۲، هات ۴۶، فقره ۱۰) و از آن می‌توان دریافت مرد و زن هر دو به مساوات برای کار نیک از بهشت سهم می‌برند. در متون پهلوی مطالبی هرچند اندک درباره برتری مرد بر زن در ثواب‌بردن مشاهده می‌شود^(۷) که با توجه به این سخن از گاهان درمی‌یابیم این برتری در اصل دین زردشتی نبوده است. بنابراین زنان نیز وظایفی دارند و می‌بایست در طریق نیکی و فرزندآوری، مراقبت از همسر و خانواده خود و موجودات نیک اورمزد عمل کنند (ویسپرد، ۱۳۵۶: ۲۸، کرده ۱، فقره ۳: ۱، ن.، ۱۳۴۲: ۳۶، فرگرد ۱۳، فقرات ۱ - ۳؛ همان: ۶۵، فرگرد ۷۸، فقرات ۱ - ۵). در اوستا به خویدوده (ازدواج با نزدیکان) سفارش شده است (خ.، ۱۳۱۰: ۱۶۸، اویسروتیرمگاه، فقره ۸)، به پیروی از آن در متون پهلوی نیز به آن سفارش شده و آمده انجام آن ثواب بسیاری دارد (ر. پ.، ۱۳۶۷: ۴، فصل ۸، فقره ۱؛ روایت آذرفرنبغ فرخزادان (ر. آ. ف.، ۱۳۸۴: ۳۹، فقره ۵۲) اما به‌عنوان یک عمل الزامی و اجباری به آن اشاره نشده است، چنانکه در روایت پهلوی که به خویدوده سفارش شده در جایی دیگر آمده اگر مردی خواهر یا دختر خود را به همسر مناسبی بدهد سیصد ثواب کرده (۱۳۶۷: ۴۹ - ۵۰، فصل ۳۹)، گرچه ثواب آن کمتر از خویدوده است؛ در هر حال ازدواج بدون موافقت دختر نمی‌تواند صورت بگیرد (ر. آ. ف.، ۱۳۸۴: ۷، فقره ۱۰).

در متون پهلوی نیکی به خانواده و نزدیکان مقدم دانسته شده و اهمیت بیشتری دارد (م. پ.، ۱۳۷۱: ۱۰۰، اندرز آذرباد مهرسپندان، فقره ۶؛ کتاب پنجم دینکرد، (ک. پ. د.، ۱۳۸۶: ۶۶، فصل ۱۰، فقره ۱۹؛ کتاب ششم دینکرد، ۱۳۹۲: ۱۲۴، فقره ۵۶). در دوره ساسانی این امر امور دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار داده است، چنانکه مال هبه^(۸) شده به زن و فرزند قابل بازپس‌گیری نیست حتی اگر برای کار خیر باشد (م. م. د.، ۱۳۹۱: ۱۶۷، فصل ۱۶، فقرات ۱۳ و ۱۵؛ ر. آ. ف.، ۱۰۵، فقره ۱۲۶). در این بین، پادشازن و فرزندان او دارای حقوق بیشتری هستند، برای این منظور *kardan ī ēn paymān* به کار رفته و قوانینی برای آن ترتیب داده شده است (م. پ.، ۱۳۷۱: ۱۷۳ - ۱۷۴، پیمان کدخدایی، فقرات ۳ - ۶ و ۳۶۳، فقره ۷؛ م. ه. د.، ۱۳۹۱: ۱۵۸، فصل ۱۵، فقرات ۲۷ و ۳۱). به‌نظر می‌رسد اختصاص حقوق بیشتر برای این نوع از ازدواج برای سامان‌دهی و نظم در خانواده بوده است، زیرا خانواده در مرتبه اول اجتماعی قرار دارد (خ. ا.، ۱۳۱۰: ۱۶۷، اویسروتیرمگاه، فقره ۷؛ 69: *Khordēh Avestā*, 2014) که استحکام و شکل‌گیری صحیح آن در کیفیت مراتب اجتماعی بالاتر تأثیرگذار است.

۳-۵. نیکی به درویشان

در گاهان از فقیران درست‌کردار پیرو زردشت با نام درویش^(۹) ذکر شده (گائاه، ۱۳۸۹: ۱۲۰، هات ۳۴، فقره ۵)، به همین دلیل در دوره ساسانی فقیران درست‌کردار درویش خوانده می‌شدند و از آنجا که

در دین زردشتی بخشش به درستکاران ارجح دانسته شده است آنان برای بخشش بیشتر مورد ملاحظه قرار می‌گرفتند (ا.ا.د، ۱۳۷۳: ۱۹، فقرة ۲۵؛ ا.ن، ۱۳۴۲: ۵۲، فرگرد ۴۹، فقرات ۱ - ۴). روحانیون، درویشان را تحت آموزش قرار می‌دادند با این هدف که روش درست زندگی را به آنان بیاموزند تا احساس بی‌نیازی کنند و حسرت نخورند (د.ج، ۱۳۹۳: ۸۳، فقرات ۸۲ - ۸۵). نتیجه‌ای که از این موضوع می‌توان گرفت این است که درویشان تشویق می‌شدند تا به آنچه دارند قانع باشند و معترض نباشند که یک داروی مؤثر برای تحمل شرایط نامطلوب و مصیبت‌ها برای فقرا بود و این به نفع ثروتمندان بوده است (Shaki, 2011)؛ نیز آمده آنان را به راه راست هدایت می‌کردند و شک و تردید را از آنان دور می‌کردند (د.ج، ۱۳۹۳: ۸۰، فقرات ۸۲ - ۸۵). چنین موضوعی این احتمال را طرح می‌کند که شاید برخی از آنان از ادیان دیگر به دین زردشتی درآمده باشند تا بیشتر مورد مرحمت قرار گیرند.

در کل به نظر دیدگاه مثبتی نسبت به آنان در دوره ساسانی وجود داشته چنانکه درویش به‌عنوان نام خاص مورد استفاده قرار می‌گرفته است (نصرالله‌زاده، ۱۳۹۸: ۸۹ - ۹۱) و دو لقبی که در رابطه با شاهان ساسانی به‌کار رفته برای درویشان نیز ذکر شده است.^(۱۰)

۴-۵. وقف

وقف به‌معنای عقدی (قراردادی) است که بر طبق آن شخصی مالی را جهت استفاده فرد یا افرادی به خدمت‌رسانی به اجتماع اختصاص می‌دهد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۸: ۸۲۶۱). با توجه به این تعریف می‌توان مصداق آن را در دوره ساسانی با شرایط مختص این دوره یافت. در ادامه به توضیح مفاهیم و اصطلاحاتی می‌پردازیم که این معنا از آنها مستفاد می‌شود.

در کتیبه شاپور در کعبه زردشت آمده: او برای شادی روان نیاکان و برای دوام نام و روان^۱ افراد خانواده و زبردستان در قید حیاتش، آتشکده‌ها تأسیس کرده و گوسفند و نان و می به آن اختصاص داده و برای آن از کلمه nibištān استفاده شده است (عریان، ۱۳۸۲: ۶۷ و ۷۲، بندهای ۱۷ - ۱۸). در کتیبه کرتیر آمده: او آتشکده‌های بسیاری برپا کرده و برای موبدان سند و پیمان‌نامه مهر کرده است (همو: ۱۷۱، کتیبه کرتیر در نقش رجب، بندهای ۳۳ - ۲۴). زدن مهر بر پای اسناد اهمیت زیادی داشته چنانچه سند بدون مهر فاقد اعتبار بوده (م.ه.د، ۱۳۹۱: ۳۶۳، فصل ۴۴، فقرة ۷۷). اختصاصات شاپور برای شادی روان و دوام نام و مهرکردن اسناد در کتیبه کرتیر به وقف تعبیر می‌شود.

واژه دیگر که می‌توان آن را مترادف با وقف دانست گیتی‌خرید^۲ است، یعنی مردم مالی را به روحانیون و آتشکده‌ها می‌سپردند (دادستان دینی پرسش ۸۸، ۱۳۸۸: ۵۷) تا آنان برایشان مراسم‌های دینی را به‌جای آورند که آن را گیتی‌خرید می‌خواندند (ر.ب، ۱۳۶۷: ۲۳، فصل ۱۷، فقرة ۳)

1. nām pad amā arwān

2. getik xrit

و یا به دستور (ان) ^(۱۱) چیزی می‌دادند تا به درویشان بدهند که آن را شفاعت^۱ می‌خواندند (همان: ۲۴، فقره ۴).

روان رای^۲ (ر././.: ۱۳۷۶: ۱۰۶، پاسخ ۱۷، فقره ۹) و پد روان^۳ (م. م. د.، ۱۳۹۱: ۱۷۸؛ همان: ۴۹۶، فصل ۱۸، فقره ۱۰) به معنای اموری است که برای شادی روان انجام می‌شود، ^(۱۲) حال چه کتبی یا شفاهی در باب چگونگی انجام آن تصریح شده باشد (م. م. د.، ۱۳۹۱: ۱۵۵، فصل ۱۵، فقره ۳ و ۱۵۸، فقره ۲۶ و ...). به عنوان نمونه در وصیت‌نامه اهلوداد قلمداد می‌شود (ر././.: ۱۳۷۶: ۴۳، پرشش ۷، فقره ۴) اما به زبان امروز در حوزه وقف جای می‌گیرد. موقوفات می‌تواند برای روان خویش یا دیگری باشد (همان: ۱۵۵، فصل ۱۵، فقره ۴). بر اموال آتشکده مالیات تعلق می‌گرفت و هرگونه امور مربوط به آتشکده‌ها به (خزانه) شاهی مربوط بوده است (م. م. د.، ۱۳۹۱: ۳۳۸، فصل ۴۰، فقرات ۲ و ۳).

وقف تنها در امور مادی نیست بلکه هر شخص می‌توانست بخشی از کار و کرفه خود را برای شادی روان کسی ببخشد، از آنجا که این امر وجهه قانونی دارد و بروز اختلاف در این باره به دادور ارجاع داده می‌شود می‌تواند در حوزه وقف قرار گیرد (ر././.: ۱۳۸۴: ۶۲، فقره ۷۴).

۶. شرایط نیکوکاری و بخشش

در *اوستا* برای اهدای نذورات به دیگران شرایطی تعیین شده است و سفارش شده به کسانی که بدکار هستند و به دین مزدیسنی نیستند، نباید فدیة بدهند تا دچار خشم ایزدان نشوند (بشتها، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۶۹ - ۳۷۱، تیشتر یشت، کرده ۵۸ - ۶۱). می‌توان شرکت‌ندادن این افراد را به دلیل امور اخلاقی و معنوی نادرست آنان دانست. در باب این محدودیت‌ها در متون پهلوی اشارات اندکی مشاهده می‌شود، مثلاً آمده: درون دزد و زن بدنام را نباید یشت ^(۱۳) (ش. ن. ش.، ۱۳۶۹: ۱۳۳ - ۱۳۴، فصل ۱۰، فقرات ۳۴ - ۳۶)، زیرا خوراکی‌های مراسم‌ها دینی مقدس هستند، پس می‌بایست به درستکاران (خ. ا.، ۱۳۱۰: ۲۴۰، آفرینگان گاهنبار، فقره ۴) و کسانی که آداب مراسم را درست به جای می‌آورند برسد (ر. پ.، ۱۳۶۷: ۳۳، فصل ۲۰، فقرات ۱ - ۴).

در *اوستا* جوانی و کوشایی ستایش شده (ویسپرد، ۱۳۵۶: ۲۸، کرده ۱، فقره ۳؛ همان: ۷۶، کرده ۲۲، فقره ۷۵؛ خ. ا.، ۱۳۱۰: ۱۶۸، اویسروتیریمگاه، فقرات ۸ - ۹) و به اوضاع جسمی افراد توجه شده و آمده: از آب زوهری که نذر می‌شود نباید به مردانی که سترون شده‌اند، به زنانی که دشتان نمی‌شوند، کودکان نابالغ و به دخترانی که به سن ازدواج نرسیده‌اند و ازدواج نکرده‌اند برسد (بشتها، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۹۷، ارت یشت، کرده ۱۰، فقره ۵۴)، گویا برای شرکت در این مراسم برنایی و سلامت جسمی افراد در نظر گرفته شده است. در *روایت پهلوی* نیز توصیه شده که از خوراکی مراسم به کسانی که آبله دارند بخشش نشود که احتمالاً برای جلوگیری از سرایت آن و محصول زمان و شرایط خاصی است (۱۳۶۷: ۳۳، فصل ۲۰، فقرات ۱ - ۴)؛ از سوی دیگر در *خرده اوستا* هر قسمت از گوشت گوسفند

1. jādag-gōwih
2. ruwān rāy
3. pad ruwān

نذر شده به یک ایزد تعلق دارد. در کنار نام ایزدان درویشان نیز از جگر سهم می‌برند (۱۳۱۰: ۱۴۶ - ۱۴۷، فصل ۱۱، فقره ۴)، این مطلب نشان از اهمیت سهم کردن فقیران درست‌کردار در نذورات دارد. به پیروی از *اوستا*، غالباً در متون پهلوی نیز برای کمک به نیازمندان محدودیت و استثنائاتی آمده و ترجیح این است که تنها به به‌دینان و درستکاران کمک شود (م. پ.، ۱۳۷۱: ۸۸، چیده اندرز پوریوتکیشان، فقرات ۱۸ و ۲۰: ۱۳۷۳: ۲۵، فقره ۳۵: ک. پ. د.، ۱۳۸۶: ۵۸، فصل ۱۷، فقره ۳)، مگر آنکه شخص بددین یا بدکار در شرایط سختی باشد^(۱۴) یا نیاز به درمان داشته باشد (ک. پ. د.، ۱۳۸۶: ۵۸ - ۶۰، فصل ۱۷، فقرات ۳ - ۷: ک. س. د.، ۱۳۸۱: ۱۲۵، فقره ۷۰).

در برخی متون دیدگاه متعادل‌تری آمده است: در دینکرد ششم کمک به درویش^(۱۵) بدکردار و بددین سفارش شده است (۱۳۹۴: ۲۰۴، فقره ۲۹۲)، گرچه در *شاهنامه* از زبان بزرگمهر نکوهش می‌شود که درویش نه این جهان را دارد و نه جهان دیگر را (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۹۵، ابیات ۲۵۴۹-۲۵۵۰). اما باز هم کمک به درویش توصیه شده و از وظایف پادشاهان دانسته شده است (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۳۴، بیت ۶۰۶). در *کتاب سوم دینکرد* نیز آمده: مردم را فارغ از عقاید آنان پشتیبانی می‌کند و دوست می‌دارد، از آنجا که در ادامه در رابطه با طریقه رفتار صحیح با سه گروه ایرانی: دین‌سالار، ارتشتار، کشاورز و ابزارساز سخن رفته (۱۳۸۴: ۲۱۱، کرده ۱۶۳)، گویا این مطلب هم مانند دینکرد ششم و *شاهنامه* در توصیف عملکرد صحیح شاهنشاه با مردم است. شاهنشاه وظیفه دارد با مردم چه به دین مزدیسنی باشند یا نباشند، به‌خوبی رفتار کند. شاه با بودجه‌ای به نام *kardag-handōz* به مردم کمک می‌کند و تهی‌دستی و بیماری را از آنان دور می‌کند است (همان، ۱۳۸۱: ۷۸، کرده ۴۶، فقرات ۳ - ۸).

۶. نتیجه

مبانی اصلی در باب نیکی و نیکوکاری در *اوستا* آمده و در متون پهلوی این آموزه‌ها به‌طور مبسوط‌تری شرح داده شده است. این مبانی با توجه به شرایط و نیاز زمانه جهت داده می‌شدند، به همین دلیل در مقایسه با *اوستا* گاه نقاط افتراق اندکی نیز مشاهده می‌شود. با توجه به این آموزه‌ها نیکوکاری در بهبود زندگی فردی و اجتماعی شخص و در نهایت جامعه بسیار تأثیرگذار بوده است.

مواردی که در متون پهلوی آمده، جدا از اینکه مبتنی بر اصول *اوستایی* و در بسیاری از جهات با فطرت پاک انسانی همسو هستند، به‌نظر در موارد متعددی با توجه به مصالح کشور و با موافقت نهاد دولتی شکل گرفته و تدوین شده‌اند. این امر، افزون بر نظم‌بخشیدن به امور کشوری و حفظ یکپارچگی آن، در راستای استحکام بیشتر نهاد سیاسی بوده است.

از آنجا که در *اوستا* و متون پهلوی شهریار نیک‌کردار دین‌پناه است، اعمال او و دستگاه دولتی در جهت انجام فرایض دینی و حمایت از دین قرار دارد و موجب تقویت دین و نهاد دینی می‌شده است؛ از سوی دیگر بسیاری از اصول و قوانین با توجه به مصالح و موافقت نهاد دولتی

شکل می‌گرفته و تدوین می‌یافته است که این امر، علاوه بر نظم‌بخشیدن به امور کشوری، در راه استحکام و تمرکز قدرت نهاد سیاسی حتی با غلبه بر موبدان و امور مربوط به آتشکده‌ها همراه بوده است. این امور چون در قالب خیر جمعی نیز صورت می‌گرفته یکی از دلایل پیشرفت و رفاه مادی و معنوی جامعه بوده است، زیرا در چارچوب اصول و قوانین و بر اساس باورها و نیازهای روز جهت بخشیده می‌شد، پیشرفت و رفاه در جامعه نیز به استحکام قدرت شاه و دستگاه دولتی می‌افزوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در سکه‌های اردشیر بابکان، شاپور اول، هرمزد اول، بهرام اول و ... آمده است (آورزمانی، ۱۳۹۳: ۱۹، ۶۳ و ...).
۲. ازدواج دختر با رضایت والدین و رعایت تمام شرایط متعارف برای نخستین‌بار (عریان، ۱۳۹۱: ۱۰۴).
۳. برای همپرسگی به انجمن بهمان رفتن کرفته است (م. پ.، ۱۳۷۱: ۱۸۲، واژه‌ای چند از آذرباد مهرسپندان، ۷).
۴. *dēnīgīha* (فصل ۵۳ دادستان دینی، ۱۳۸۸: ۶).
۵. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. س. د.، ۱۳۸۱: ۱۵۳، کرده ۸۱: /، ن.، ۱۳۴۲: ۲۷، فرگرد ۳، فقره ۷: م. پ.، ۱۳۷۱: ۹۱، چیده اندرز پوریوتکیشان، فقره ۴۵: ر. پ.، ۱۳۶۷: ۱۲ - ۱۳، فصل ۱۰، فقرات ۱ - ۳.
6. *ewāzīgīh: particular* (Mackenzie, 1986: 31).
۷. حتی اگر زن در هنگام زایمان فوت کند به خاطر وظیفه‌شناسی مرد، برای این کار بزرگ (بچه‌دار شدن)، ثوابی که مرد می‌برد بیشتر از زنی است که فوت شده است (ر. آ. ف.، ۱۳۸۴: ۱۰۶، فقره ۱۲۷).
۸. *dād*: واگذاری چیزی به دیگری به شرط تملیک و به‌طور رایگان (عریان، ۱۳۹۱: ۱۴۳).
۹. در گاهان: *drigu*، در اوستای متأخر: *driyu* و در منابع پهلوی: *dlygwš* آمده است (نصرالله‌زاده، ۱۳۹۸: ۸۹ - ۹۱).
۱۰. درویش نیوکوکار (*hugār*) (ب. د. ش.، ۱۳۹۴: ۱۸۲، فقره ۱۵۶) و در پی‌کرفته‌اندوزی است (ر. آ. د.، ۱۳۷۳: ۳۷، فقره ۴۹).
۱۱. *dastvar*: روحانی بلندپایه زردشتی، فقیه، متکلم و مرجع زردشتی (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۴: ۲۰۳).
12. for the soul (Perikhanian, 1997: 75, XXIV, 12-13).
۱۳. یشت درون (*dron*) شامل یسن ۳ تا ۸ است که به خشنودی اهوره مزدا خوانده می‌شود و جزئی از مراسم یزش است (میرفخرایی، ۱۳۹۷: ۲۱۰).
۱۴. این جمله که: «چیز خوردنی را به بتران (مردم بد) نباید داد و گاه هست که نخست خوش‌ترین خوردی (نوعی خوراک مطبوع) را به بتران باید داد»، احتمالاً مربوط به زمانی است که شخص در این شرایط قرار دارد (ش. ن. ش.، ۱۳۶۹: ۲۴۷، فصل ۲۰، فقره ۱۶).
۱۵. درویش به معنای مطلق فقیر نیز می‌باشد (ر. آ. د.، ۱۳۷۳: ۱۱، فقره ۶).

منابع

- اردوایرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسنی (ا. ن.) (۱۳۴۲). ترجمه رحیم عقیفی. مشهد: چاپخانه دانشگاه مشهد.
- اندرز اوشنر دانا (ا. ا. د.) (۱۳۷۳). متن پهلوی، آوانویسی، واژه‌نامه و ترجمه: ابراهیم میرزای ناظر. تهران: هیرمند.
- اندرزنامه بزرگمهر حکیم (۱۳۵۰). متن، آوانوشت و ترجمه به انگلیسی و ترجمه فارسی: فرهاد آبادانی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸. تهران: سخن.
- بررسی دینکرد ششم (ب. د. ش.) (۱۳۹۴). مقدمه، آوانویسی، برگردان فارسی، تعلیقات، واژه‌نامه، متن پهلوی: مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پاکزادیان، حسن (۱۳۸۴). تاریخ و گاهشماری در سکه‌های ساسانی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسنی، میرزا محمد و بهرخ جمالی (۱۴۰۰). «مهرها و نگین‌های پادشاهان ساسانی؛ بررسی هویت پادشاه و نقش مایه‌های حک‌شده بر این آثار». پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۵۷ - ۷۹.
 خرده اوستا (خ. ا.) (۱۳۱۰). تفسیر و تألیف ابراهیم پورداود. از سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایران بمبئی و انجمن ایران لیگ بمبئی از نفقهٔ پشتون مارگر.

دادستان دینی پارهٔ دوم (پرسش‌های ۴۱ تا ۹۲) (د. د.) (۱۳۹۷). منوچهر پسر گشن جم، مقدمه، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشت‌ها به همراه متن پهلوی: مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دادستان دینی پرسش ۸۸ (۱۳۸۸). ترجمهٔ یلدا شکوهی. نامه پارسی، سال نهم، شماره ۳، صص ۵۷ - ۶۷.
 دینکرد چهارم (د. ج.) (۱۳۹۳). آوانویسی، ترجمه و واژه‌نامه: مریم رضایی، زیر نظر سعید عریان. تهران: علمی.
 دینکرد هفتم (د. ه.) (۱۳۸۹). تصحیح متن، آوانویسی، نگارش فارسی، واژه‌نامه و یادداشت‌ها: محمدتقی راشد محصل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

روایت آذرفرنبغ فرخزادان (ر. آ. ف.) (۱۳۸۴). آوانوشت، ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه: حسن رضایی باغبیدی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

روایت امید آشوهیستان (ر. ا. ا.) (۱۳۷۶). تدوین، آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی: زهت صفای اصفهانی. تهران: مرکز.

روایت پهلوی (ر. پ.) (۱۳۶۷). ترجمهٔ مهشید میرفخرایی. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 «سور سخن» (۱۳۸۳). ترجمهٔ کتابیون مزداپور. فرهنگ، شماره ۵۱ - ۵۲، صص ۱۰۴ - ۱۳۰.
 شایست ناشایست (ش. ن. ش.) (۱۳۶۹). آوانویسی و ترجمه: کتابیون مزداپور. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار. ج ۶، نیویورک: بنیاد میراث ایران.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار، ج ۷. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

فصل ۵۳ از دادستان دینی (۱۳۸۱). ترجمهٔ مهشید میرفخرایی. نامه پارسی، ش ۲۶، صص ۵ - ۱۰.
 کتاب پنجم دینکرد (ک. پ. د.) (۱۳۸۶). آوانویسی، ترجمه، تعلیقات، واژه‌نامه و متن پهلوی: ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: معین.

کتاب سوم دینکرد (ک. س. د.) (۱۳۸۱). آذرفرنبغ پسر فرخزاد و آذرباد پسر امید، آراستاری، آوانویسی و ترجمه: فریدون فضیلت، ج ۱. تهران: فرهنگ دهخدا.

کتاب سوم دینکرد (ک. س. د.) (۱۳۸۴). آذرفرنبغ پسر فرخزاد و آذرباد پسر امید، آراستاری، آوانویسی و ترجمه: فریدون فضیلت، ج ۲. تهران: فرهنگ دهخدا.

کتاب ششم دینکرد (حکمت فرزندگان ساسانی) (۱۳۹۲). برگردان شائول شاکد، ترجمهٔ فرشته آهنگری. تهران: صبا.

کرین بروک، فیلیپ ج. (۲۰۰۴). «آیین و آیین‌ها در نیرنگستان». ترجمهٔ آژیده مقدم. هفت آسمان (۱۳۸۴). سال هفتم، ش ۲۸، صص ۲۲۵ - ۲۴۴.

گائها (۱۳۸۹). ترجمهٔ ابراهیم پورداود. تهران: دنیای کتاب.

- ماتیگان گجستک ابالیس (۱۳۷۶). آذرفرنبغ فرخزادان، ترجمه ابراهیم میرزای ناظر. تهران: هیرمند.
- مادیان هزار دادستان (هزار رأی حقوقی) (م. ه. د.) (۱۳۹۱). مقدمه و ترجمه، آوانوشت متن پهلوی، یادداشت‌ها، واژه‌نامه و پژوهش: سعید عریان. تهران: علمی.
- متون پهلوی (م. پ.) (۱۳۷۱). گردآورنده جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب-آسانا، به‌گزارش (ترجمه و آوانوشت): سعید عریان. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- مینوی خرد (م. خ.) (۱۳۹۷). ترجمه احمد تفضلی، به‌کوشش ژاله آموزگار. تهران: توس.
- نصرالله‌زاده، سیروس (۱۳۹۸). کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه ساسانی و پس‌ساسانی (گورنوشته، یادبودی)، ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- وندیداد (۱۳۲۷). ترجمه سید محمدعلی حسنی (داعی‌الاسلام). حیدرآباد دکن: به‌اهتمام حاجی فتح‌الله مفتون یزدی، مطبعه صحیفه.
- ویسپرد (۱۳۵۶). به‌گزارش ابراهیم پورداد. تهران: دانشگاه تهران.
- یستا (۱۳۸۰). به‌گزارش ابراهیم پورداد، ج ۲. تهران: اساطیر.
- یشتها (۱۳۷۷). به‌گزارش ابراهیم پورداد، ج ۲. تهران: اساطیر.
- Gāthā (1997). tr. Ervad Kavasji Edalji Kanga, Bombay: The Trustees of the Parsi Panchayat Funds and Properties.
- Khordeh Avestā (2014). tr. Ervad Maneck Furdoonji Kanga M.A., Kasson MN USA. available at: avesta.org.
- Mackenzie, D. N. (1986). A concise Pahlavi dictionary, London: Oxford university press.
- Moradi, Y. & A. Hintze, 2020. "a new sealing of Pērōz from Takt-e Solaymañ and its historical context", *res orientales* 28, pp. 113-136.
- Yavisht i Friyan (1996). tr. Joseph H. Peterson. Available at: avesta.org.
- Shaki, M. (2011). "Darvīš in the pre-Islamic period", *Encyclopedia Iranica*, available at: <https://iranicaonline.org/articles/darviš>.
- The book of a Thousand Judgements (a Sasanian law-book)* (1997). Farraxvmar̄t ī Vahrāmān, tr. A. Perikhanian, New York: Mazda.

